

ارائه الگوی پارادایمی راهبرد اقتصاد بخش خصوصی از منظر امام، رهبری و قانون اساسی

یحیی آل اسحاق^۱، مهدی صادقی نیارکی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۷

چکیده

در طول سالیان گذشته با عنایت به تأکيدات رهبران عالی نظام ج.ا.ایران مبنی بر واگذاری امور اقتصادی به مردم و تأییدات سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مبنی بر تقویت نقش و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ملی، کماکان در بهره‌گیری مناسب از پتانسیل‌های این بخش توفیق نداشته‌ایم. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به نظریه‌ای در حوزه تبیین راهبرد اقتصاد بخش خصوصی از منظر امام، رهبری و قانون اساسی انجام شده است. روش تحقیق به صورت کیفی و مبتنی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد است. داده‌های این تحقیق به صورت تمام شمار بوده و تجزیه و تحلیل اطلاعات براساس مدل پارادایمی انجام گرفت. براساس نتایج این مدل می‌توان بیان داشت که مشارکت بخش خصوصی موجب رشد و توسعه اقتصاد کشور شده و از ایجاد انحصار غیر ضرور و تبدیل شدن دولت به کارفرمای بزرگ جلوگیری می‌نماید فلذا افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد ملی و گسترش مالکیت در عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی می‌بایست در دستور کار اجزای حاکمیت قرار گیرد. بخش خصوصی در کشور دارای حقوقی اساسی است. ارائه شفاف اطلاعات به منظور تقویت ساختار رقابتی و دسترسی یکسان و عادلانه به اطلاعات و مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی از جمله حقوق این بخش از اقتصاد ملی است همچنین امنیت اقتصادی تضمین کننده فعالیت بخش خصوصی بوده بنابراین حاکمیت می‌بایست با حمایت قضائی مؤثر، مالکیت مشروع بخش خصوصی و کلیه حقوق ناشی از آن را محترم شمارد.

کلید واژه‌ها: بخش خصوصی، حقوق مالکیت، نظریه‌پردازی داده بنیاد، مدل پارادایمی.

۱. استاد مدعو دانشگاه عالی دفاع ملی.

۲. دانشجوی دکتری، مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی و نویسنده مسئول sadeghiniaraki@yahoo.com

مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، سیاست‌های دولت مبنی بر فعالیت بسیاری از صنایع و همچنین تلاش‌های اقتصادی کشور متمرکز بوده به گونه‌ای که با تبیین اصل (۴۴) قانون اساسی بسیاری از امور مهم و پایه‌ای، دولتی و تحت مالکیت دولت و همچنین فعالیت‌های مذکور در اختیار کامل دولت قرار گرفت.

براساس اصل (۴۴) قانون اساسی، «نظام اقتصادی کشور بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار بوده و در ذیل این اصل تصریح شده که "مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق بوده و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شده و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون اساسی قرار می‌گیرد که تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌نماید.»

این روند تا اواخر دهه ۶۰ همچنان ادامه پیدا کرد تا زمانیکه پس از اتمام جنگ، دولت نسبت به تهیه و تصویب برنامه‌های بازسازی اقتصادی، اجتماعی در قالب برنامه‌های اول و دوم توسعه به منظور بهبود عملکرد سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و همچنین حضور فعال بخش خصوصی در اقتصاد ملی اقدام نمود؛ ولی در ادامه این روند بر اساس قانون برنامه سوم توسعه، برنامه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی را تحت عنوان ساماندهی شرکت‌های دولتی و واگذاری سهام آنها پیگیری و طی برنامه چهارم توسعه نیز اصول واگذاری را بر اساس همان فرآیند، دنبال کرده است.

در طی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۴ و در برنامه‌های پنج‌ساله اول تا سوم توسعه، بطور مستمر مواد مهمی در قانون برای تسهیل و یا فراهم کردن زمینه واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی کوچک و متناسب اندازه دولت، حضور بخش‌های غیردولتی در اقتصاد و توان سرمایه‌گذاری این بخش‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی مورد تصویب قرار گرفت. اما فعالیت بخش غیردولتی در حوزه‌های مهمی از اقتصاد منع شده و هیچ‌گونه تأثیر قابل توجهی در کاهش ضریب نفوذ و یا حضور دولت در اقتصاد به چشم نمی‌آمد، بنابراین ارائه نظریه جدیدی از اصل (۴۴) قانون اساسی در جهت تحقق موارد مطروحه در این

اصل، با توجه به دستور مقام معظم رهبری در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و سرانجام سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی به عنوان تأکید بر اصل مذکور در دو مرحله خرداد و تیرماه سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ ابلاغ شد.

در این رابطه اصل ۴۴ قانون اساسی کشور مشتمل بر ۹۲ ماده و ۹۰ تبصره در جلسه علنی مورخ هشتم بهمن ماه سال ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ بیست و پنجم خردادماه سال ۱۳۸۷ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با توسعه اقتصادی کشور تشخیص داده و سپس تأیید و سرانجام اجرای آن آغاز شد.

اشارات فراوان امام خمینی مبنی بر واگذاری امور اقتصادی به مردم، تأکیدات ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری و تأکیدات فراوان ایشان از بهره‌گیری از پتانسیل بخش خصوصی در اداره امور کشور، نشان دهنده اهمیت و راهبردی بودن این مقوله در نظام ج.ا.ایران است. پس مساله ما، تبیین نشدن موضوع در قالب ارائه الگو بوده و در این پژوهش به دنبال تبیین راهبرد اقتصاد بخش خصوصی از منظر امام، رهبری، قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی با ارائه یک مدل پارادایمی هستیم.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

تا به حال پژوهش‌های جامع در خصوص ارائه مدل پارادایمی راهبرد اقتصاد بخش خصوصی از منظر امام، رهبری و قانون اساسی صورت نگرفته است؛ در عین حال، دو مقاله که به نوعی با کلیت موضوع در ارتباط است، به شرح ذیل می‌باشد:

جلایی اسفندآبادی و صمیمی (۱۳۹۳) در مقاله بررسی موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران (در راستای سیاست‌های کلی ابلاغی نظام) اظهار داشتند «از آنجایی که بحث خصوصی‌سازی یکی از مقوله‌های مهم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران است و اهدافی چون رقابت و کارایی اقتصادی، افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری، استفاده بهینه از امکانات و غیره را دنبال می‌کند، در نتیجه بررسی موانع اجرای صحیح خصوصی‌سازی و اهداف سیاست‌های کلی ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری، از اهمیت

بالایی برخوردار است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش اندازه دولت، نوسان نرخ ارز و تورم دائمی، به عنوان مانعی جهت افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (در مطالعه حاضر، سرمایه‌گذاری در صنایع ۵۰ نفر کارکن و بیشتر)، هستند. نکته لازم به ذکر این است که اثر محدودکننده در این الگو، به خوبی نشان داده شده است. لذا، با توجه به اینکه یکی از موانع مهم در مسیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، اندازه دولت در اقتصاد بوده است، بنابراین، اجرائی شدن سیاست‌های اصلاحی اصل ۴۴ قانون اساسی را که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. طبیعی است، اجرائی شدن سیاست‌های ابلاغی، می‌تواند سایر موانع در مسیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را تعدیل و به تدریج حذف سازد.»

مومنی (۱۳۸۵) در مقاله ارزیابی نهادگرا از جایگاه دولت و بازار در فرآیند توسعه ملی اظهار داشت «مرور تاریخی تحولات مربوط به مفهوم دولت و بازار و نیز فراز و نشیب‌هایی که در عرصه نظری شاهد بوده‌ایم، به وضوح نشانگر مجموعه‌ای از نکات است که توجه به آنها در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه و مواجهه خردمندان با شرایط جهانی شدن اقتصاد ضروری است: دولت و بازار بیش از آن که ناظر بر مفاهیم صریح و روشنی باشند، حکایت از یک مشترک لفظی می‌کند که در چارچوب الگوهای نظری متفاوت می‌باید به صورت عملیاتی تعریف و نسبت آن با واقعیت - که عبارت از انواع دولت‌ها و بازارهاست - مشخص شود.

نگاه نیوتنی به دولت و بازار که آنها را به صورتی منفک و مجزا از یکدیگر در نظر می‌گیرد، بخش مهمی از واقعیت را کنار می‌گذارد، اما در عمل با فضای سیالی از انواع هماهنگی چه در درون دولت و بازار و چه در بین آنها روبرو هستیم. دولت و بازار، نهادهای انتزاعی و بی‌روح نیستند و هر دو ضمن تعادل با نیروهای اجتماعی، از آنها تأثیر می‌گیرند و بر آنها اثر می‌گذراند.

دولت و بازار در عین حال که از توانمندی‌های مشخصی برخوردارند، کاستی‌ها و درماندگی‌های خاص خود را نیز دارند. دستیابی به ترکیب خردمندان آنها مستلزم در نظر گرفتن هر دو جنبه مسأله است.

در شرایط جهانی شدن اقتصاد مسئولیت‌های دولت رو به افزایش و پیچیدگی بیشتر می‌گذارد. در عین حال، بخش‌هایی از مسئولیت‌های سستی دولت به بازار و بنگاه‌ها واگذار می‌شود. این مسأله نه به معنای زوال دولت ملی و نه به معنای ضرورت پافشاری بر انجام مسئولیت‌های سستی و نادیده گرفتن قابلیت‌های بازار در زمینه جابه‌جایی برخی از مسئولیت‌هاست.

مهمترین دستاورد رویکرد نهادگرایی به دولت و بازار، ایدئولوژی‌زدایی از ابزارهای هماهنگی است. نهادگرایان با نطق حداقل‌سازی هزینه‌های مبادله، به دقت مشخص می‌کنند که چگونه می‌توان متناسب با شرایط و اهداف از این ابزارهای هماهنگی به نحو کارآمدی استفاده کرد.»

در ادامه به مبانی نظری و ادبیات پیرامون موضوع مقاله می‌پردازیم. در چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش. اقتصاد ایران و موقعیت آینده آن به منزله کشوری توسعه یافته ترسیم شده است، بدون وجود و گسترش یک بخش خصوصی بالنده و توانمند در عرصه اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی، نمی‌توان به تحول اقتصادی در ترازهای تعیین شده به ویژه احراز جایگاه برتر منطقه‌ای، دست یافت. حضور قدرتمند این بخش در اقتصاد هر کشوری از اهمیت راهبردی برخوردار است. بخش خصوصی عامل اصلی سازندگی، نوآوری، کارآفرینی و سرمایه‌گذاری و آفریننده و پدیدآورنده سرمایه‌های مادی و فیزیکی و دارایی‌های فکری و دارای نقش مسلط در پیشبرد و تداوم رشد اقتصادی محسوب می‌شود و سهم بسیار مؤثری در ایجاد فرصت‌های شغلی و مشاغل جدید در مجموع اقتصاد ملی دارد. بخش خصوصی عامل هم‌افزایش و تنوع تولیدات کالایی و درآمد ملی و وسیله‌ای و ایجاد استمرار رفاه مادی و درنهایت برقراری عدالت اجتماعی در جامعه است. پیشرفت و توسعه اقتصادی-اجتماعی هر کشوری به ویژه در شرایط جهانی شدن اقتصاد، منوط به رشد بخش خصوصی و دستیابی به موقعیت و وضعیت بالنده و رقابت پذیر آن است. تحقق این مطلب نیز ناگزیر محتاج و موقوف به شکل‌گیری نهادسازی‌های مناسب از جمله تعریف، تضمین و اعمال حقوق مالکیت، ایجاد امنیت و فضای مساعد کسب و کار سرمایه‌گذاری، سازماندهی و سازماندهی بازارها و ایجاد شرایط

رقابته، آزادسازی تجاری و مقررات زدایی، نهادسازی در راستای مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، طرح مطالبات این بخش و ایجاد مراجع دادخواهی برای رفع مشکلات، تعارضات و داوری عادلانه و کم هزینه قضایی از مهمترین چالش‌های مدیریت اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود.

تعریف بخش خصوصی، بخش خصوصی شامل بخشی از فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که در تملک دولت نیست. بخش خصوصی به مجموعه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهایی اطلاق می‌شود که باانگیزه کسب سود و بر مبنای مالکیت، مدیریت و عملکرد با ماهیت غیرعمومی و غیردولتی با پیروی از نظم بازار و در عرصه بازار و در چارچوب قوانین، قواعد و مقررات موضوعه به فعالیت‌های تولید و عرضه کالاها و خدمات و توزیع و بازرگانی می‌پردازند (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

در جای دیگری بخش خصوصی را سازمان‌هایی که به فعالیت‌های سودآور مشغول‌اند و دارای اکثریت مالکیت خصوصی بوده و تحت مالکیت و اداره مستقیم دولت نیستند، تعریف نموده است. این تعریف شامل موسساتی نظیر مؤسسات مالی و واسطه‌ها، شرکت‌های چندملیتی، شرکت‌های کوچک و متوسط، تعاونی‌ها، فعالین بخش کشاورزی، به استثنای مؤسسات غیرانتفاعی همانند صندوق‌های خصوصی و سازمان‌های اجتماعی می‌باشد (مورگادو و همکاران؛ بلا^۲ و همکاران، ۲۰۱۳).

در تعریف جامع‌تری، این بخش را بدین نحو تعریف کرده است: بخش خصوصی بخشی از اقتصاد است که در آن منابع مالکیت بر کالا و خدمت خصوصی و یا عمومی از محل ثروت و یا تعهد خصوصی تأمین شده، هدف آن بیشینه کردن منافع خود از طریق ارائه ی کالا و خدمات به اشخاص در بازارهای رقابتی است و قدرت کنترل کامل اعم از ایجابی و سلبی بر دارایی خود داشته باشد. در مورد انحصارات طبیعی، فعالیت بخش خصوصی در بازارهای تنظیم یافته براساس قانون صورت خواهد گرفت. بازار و رقابت محرک و تنظیم‌کننده‌ی روابط بین اشخاص در این بخش است و هزینه‌های مخاطره‌های

1. Crishna Morgado & et. al
2. Di Bella & et. al

اقتصادی ورشکستگی به طور مستقیم و یا با چند واسطه، به طور کلی و یا جزئی به هیچ وجه قابل انتقال به منابع عمومی و یا منابع در کنترل حاکمیت نیست (آخوندی، ۱۳۹۱).

مشارکت بخش خصوصی: اقداماتی که هدف آن توسعه بخشی خصوصی با جلب مشارکت فعال این بخش می باشد. این تعریف تعمداً وسیع بوده تا شرایط برای جلب بخش خصوصی درخصوص همکاری های توسعه ای را شامل شود. این تعریف در مورد چگونگی توسعه همکاری ها به کار می رود، مشارکت بخش خصوصی می تواند در هر بخش یا هر زمینه اتفاق افتد (همانند سلامت، آموزش، توسعه بخش خصوصی، انرژی تجدیدپذیر، حاکمیت و غیره). از طریق مشارکت بخش خصوصی، بخش خصوصی و دیگر مشارکت کنندگان می توانند از دارایی ها، ارتباطات، خلاقیت یا تخصص یکدیگر جهت دستیابی به نتایج سودآور متقابل، منفعت ببرند (مورگادو و همکاران؛ بلا و همکاران، ۲۰۱۳).

به طور کلی بخش خصوصی ارتباط نزدیکی با مفهوم مالکیت خصوصی دارد. مالکیت خصوصی یعنی استفاده، کنترل، مالکیت و قابلیت دور انداختن یا اهدا کردن زمین، سرمایه و دیگر اشکال مالکیت توسط افراد قانونی و شرکت های تحت مالکیت خصوصی است. مالکیت خصوصی از مالکیت عمومی و اشتراکی - که به منابع در تملک حکومت، جامعه یا دولت اشاره دارد و نه افراد حقیقی و یا بنگاه اقتصادی - قابل تمایز است؛ بنابراین، مالکیت عبارت است از اسناد یک دارایی (یا توانایی) به شخصی حقیقی یا حقوقی در یک دوره زمانی معین. مالکیت منشأ اختیارات و حقوقی برای مالک است که از جمله می توان به اختیارات و حقوق ناشی از مالکیت برای اعمال مدیریت، اختصاص و انحصار منافع و درآمدها و انتقال و مبادله دارایی اشاره کرد. حدود و ثغور این حقوق و کیفیت اعمال آن را دولت تعریف و تضمین می کند (رنانی، ۱۳۷۶).

مفهوم بخش خصوصی در اقتصاد ایران؛ با بررسی مجموعه قوانین و مقررات کشور مشخص است نه تنها تعریف واحد و دقیقی از بخش های عمومی و خصوصی و همچنین سازمان های عمومی و خصوصی در کشور وجود ندارد، بلکه قانون گذار در بیان مفهوم بخش های عمومی و خصوصی با ارجاع به قوانینی که ارتباط اندکی با موضوع دارد، بر این

آشفتگی افزوده است. بنابراین در وضعیت حاضر، استخراج تعاریف جامع و مانع از این بخش‌ها بسیار دشوار است.

گام اول، شناسایی منشأ پیچیدگی‌ها در تعریف و تفکیک بخش خصوصی از عمومی و باز کردن این کلاف سردرگم است. بدین منظور باید بین دو موضوع تفکیک قائل شد:

۱. مفهوم بخش‌های عمومی و خصوصی در ارتباط با امور مالی و محاسباتی و تعیین حدود اعمال مقررات بخش خصوصی بر فعالیت‌های اقتصادی دستگاه‌های دولتی و عمومی؛
۲. مفهوم بخش‌های عمومی و خصوصی در ارتباط با تقسیم کار ملی میان بازار و دولت.

در «قانون محاسبات عمومی» و «قانون فهرست مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی» تعریفی که از بخش‌های عمومی و خصوصی قابل استخراج است، ناظر به امور مالی و محاسباتی، نحوه حسابرسی بخش عمومی و تعیین حدود اعمال مقررات بخش خصوصی بر فعالیت‌های اقتصادی دستگاه‌های دولتی و عمومی است. در قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز باید تعریفی از بخش‌های عمومی و خصوصی ارائه می‌شد که در ارتباط با تقسیم کار ملی میان بازار و دولت قابل کاربرد می‌بود. اگر چنین تعریفی ارائه می‌شد، تفاوت در دو نوع تقسیم مذکور از بخش‌های عمومی و خصوصی قابل دفاع بود زیرا همان‌طور که گفته شد، این مفاهیم سیال است و اتفاق نظری روی تعریف آنها وجود ندارد. مشکل جایی شروع می‌شود که نه تنها تعریفی از بخش‌های عمومی و خصوصی در قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ارائه نشده است، بلکه به تعریف قانون محاسبات عمومی ارجاع داده شده و عملاً بین دو حوزه که بینشان تفکیک قائل شدیم، اختلال ایجاد شده است. این اختلاط بر پیچیدگی‌ها و ابهامات افزوده و مشکلاتی به وجود آورده است.

در شرایط کنونی که ابهام در تقسیم بخش‌های عمومی و خصوصی وجود دارد، با انتقال مالکیت از بخش دولتی به عمومی با عنوان خصوصی‌سازی، عملاً قدرت یک سازمان

دولتی به بخش عمومی منتقل شده است، بدون اینکه مسئولیت اجتماعی ناشی از آن منتقل شود. این امر سبب شده است این سازمان‌ها از دولت خارج و به بخش دیگری از دولت یعنی بخش عمومی منتقل شوند؛ به عبارتی از جایی که مسئولیت اجتماعی و پاسخگویی دارد خارج شده و به جایی منتقل شده‌اند که مسئولیت اجتماعی کمی دارد. برای نمونه، مخابرات که به بخش عمومی منتقل شده است از یک سو قدرت دارد و می‌تواند بر تصویب قوانین در مجلس نیز تأثیر بگذارد اما در بحث مسئولیت، مشکلات عملکرد مخابرات منتهی به پاسخگویی وزیر می‌شود. بنابراین از مزایای بخش عمومی برخوردار است، اما مسئولیت‌های آن را ندارد (نیلی، ۱۳۹۶: ۲۸۳-۲۸۴). در نتیجه لازم است وظایف و قلمرو فعالیت‌های بخش خصوصی در نظام ج.ا.ایران مورد کنکاش قرار گیرد.

وظایف و قلمرو فعالیت‌های بخش خصوصی در نظام ج.ا.ایران؛ بخش خصوصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از لحاظ نقش و قلمرو از همان پویایی بخش دولتی برخوردار است و ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در مراحل مختلف رشد حدود فعالیت این بخش را مشخص می‌کند. در این بخش که شامل فعالیت‌های فردی یا شرکت‌ها و واحدهای خصوصی است، سرمایه لازم باید از طریق منابع و پس‌اندازهای خصوصی اشخاص تأمین شود. فعالیت‌های این بخش می‌تواند در زمینه‌هایی که خارج از حیطه فعالیت دولت تعریف شده است، سازمان یابد. گذشته از این، فعالیت‌های بخش خصوصی نیز مانند فعالیت‌های بخش دولتی تابع برنامه‌ریزی عمومی اقتصادی کشور است.

در اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی این مطلب تصریح شده که «تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون تعیین می‌کند». بنابراین، این پرسش می‌تواند مطرح شود که آیا موارد برشمرده در بخش دولتی، بنابراین آنچه از مدلول اصل مذکور استنباط می‌شود، باید به صورت مالکیت عمومی «در اختیار دولت» قرار گیرد یا فارغ از مفاد صریح این اصل عملاً «در انحصار دولت» باشد؟ قاعدتاً مدلول قسمت دوم اصل ۴۴ یعنی «بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ ... و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است» نباید این معنا را متضمن باشد که صنایع و

موارد بر شمرده به لحاظ خصیصه مالکیت عمومی در انحصار دولت نیز قرار دارد و به بیان دیگر عبارت «در اختیار دولت است» تحقیقاً معنای «در انحصار دولت است» را افاده نمی‌کند (طرح و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز براساس چنین تفسیر و منطقی استوار است). نکته‌دیگر، این مطلب است که در اصل ۴۴ قانون اساسی بخش خصوصی صراحتاً به منزله مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی مطرح شده است: «... بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است». چنین نقش مکملی را علی‌الاصول باید دولت عهده‌دار شود و در عرصه فعالیت‌های اقتصادی فقط در جهت تکمیل فعالیت‌های خصوصی حضور داشته باشد (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۲۰). آن چیزی که مهم است، تمایز و مشخصات بخش خصوصی در نظام ج.ا.ایران با سایر نظام‌های رایج در دنیا است. این نظام مبتنی بر تعالیم الهی-اسلامی پایه‌گذاری شده است، به نظر می‌رسد در اینجا باید تعریفی مناسبی از بخش خصوصی در چارچوب نظام فکری و عقیدتی جمهوری اسلامی ارائه داد که در ادامه بیان خواهد شد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به صورت تحقیق کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد^۱، انجام شده است. نظریه داده بنیاد، یکی از راهبردهای پژوهش کیفی محسوب می‌شود که از طریق آن نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۰). هدف نهایی این راهبرد، ارائه تبیین‌های جامع نظری درباره یک پدیده خاص است که به صورت استقرایی از مطالعه آن پدیده حاصل می‌شود. به‌طورکلی این راهبرد، داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی را به مجموعه‌ای از کدها، کدهای مشترک را به مقوله و آنگاه مقوله‌ها را به‌نوعی نظریه تبدیل می‌کند.

کدگذاری خواندن دقیق و خط به خط داده‌ها و تبدیل آنها به کوچکترین جزء ممکن است (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۸). کدها در واقع حاصل تجزیه و تحلیل

میکروسکوپی داده‌ها هستند (اشتراس و کوربین،^۱ ۱۹۹۸: ۶۰). کدگذاری باید با ذهنی باز و بدون توسل به ایده‌های از پیش داشته انجام شود (گولدینگ^۲، ۱۹۹۸؛ نقل از دانایی‌فرد، ۱۳۸۴: ۶۱). کدگذاری دارای سه مرحله کدگذاری باز^۳، کدگذاری محوری^۴ و کدگذاری انتخابی^۵ است. کدگذاری باز: اولین مرحله تجزیه و تحلیل و شکستن اولیه داده‌هاست. داده‌ها به کوچکترین واحد خود شکسته می‌شوند (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۸). در این مرحله پژوهشگر بارها داده‌های گردآوری شده را مرور و از زوایای گوناگون به آنها توجه می‌کند. پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در آنها را شناسایی کند این مرحله باز نامیده می‌شود، زیرا پژوهشگر بدون هیچ محدودیتی به نام‌گذاری مفاهیم می‌پردازد.

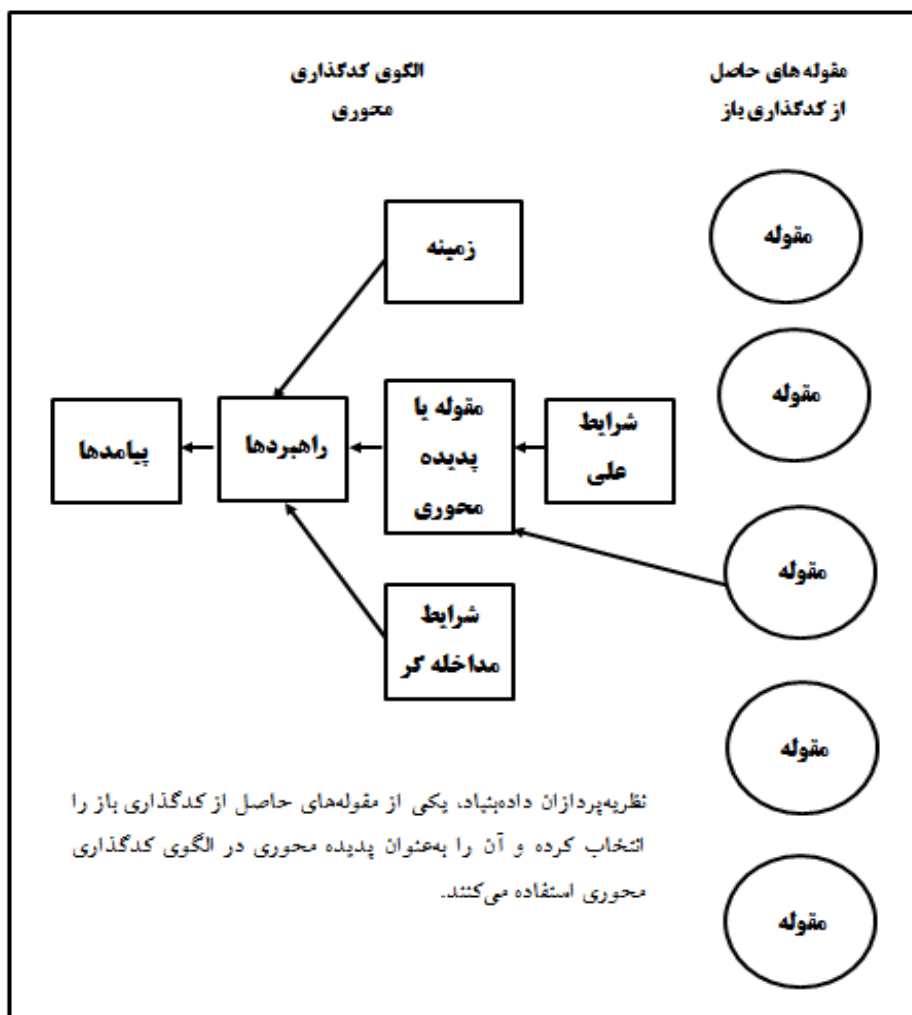
کدگذاری محوری: سطح دوم کدگذاری شامل تعیین الگوهای موجود در داده‌ها است. لازمه این مرحله مقایسه دائمی داده‌هاست. محقق داده‌ها کدگذاری شده را با یکدیگر مقایسه می‌کند و به صورت مقوله‌هایی که با هم تناسب دارند، درمی‌آورد (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۱). واژه محوری توسط اشتراس و کوربین به کار برده شده است و منظور مشخص کردن ایده‌ای محوری در میان مقوله‌های شناسایی شده است. محقق یکی از مقوله‌ها را به عنوان مقوله محوری انتخاب می‌کند و آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرآیند مورد کاوش قرار داده و ارتباط آن را با سایر مقوله‌ها مشخص می‌سازد.

کدگذاری انتخابی: کدگذاری انتخاب مرحله اصلی نظریه پرداز است که براساس نتایج دو مرحله قبلی به تولید تئوری می‌پردازد. در این مرحله مقوله محوری به شکل نظام مند با مقولات دیگر مرتبط می‌شود (کرسول^۶، ۲۰۰۵؛ نقل از هومن، ۱۳۸۵).

در این پژوهش از مدل پارادایمی اشتراس و کوربین برای تبیین راهبرد اقتصاد بخش خصوصی از منظر امام، رهبری و قانون اساسی و سیاست کلی نظام استفاده شده که مبتنی

1. Strauss and Corbin
2. Groulding
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding
6. Creswell

بر شناسایی پدیده محوری، شرایط علی، عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها و ارتباط بین آنهاست. تدابیر، ابلاغیه‌ها و اوامر صادره امام، رهبری و نیز اصول قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، داده‌های این تحقیق می‌باشد. مراحل روش راهبرد نظریه داده بنیاد بر اساس طرح مدل پارادایمی اشتراک و کوربین به شرح ذیل است:



شکل ۲. کدگذاری نظریه‌پردازی داده بنیاد از کدگذاری باز تا الگوی کدگذاری محوری (کرسول، ۲۰۰۵: ۴۰۱)

الگوی کدگذاری، روابط فی مابین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیامدها را نمایان می‌کند. (کرسول، ۲۰۰۵: ۳۹۸)

۱. شرایط علی: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند.

۲. زمینه: شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.

۳. مقوله محوری: یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرآیند است.

۴. شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.

۵. راهبردها: کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود.

۶. پیامدها: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها.

اگر الگوی کدگذار را از راست به چپ نگاه کنیم، می‌بینیم که شرایط علی بر پدیده محوری اثر می‌گذارند. پدیده محوری و شرایط زمینه مداخله‌گر بر راهبردها اثر می‌گذارند و راهبردها بر پیامدها اثر می‌گذارند.

یافته‌های تحقیق و تجزیه تحلیل یافته‌ها

تبیین راهبرد اقتصاد بخش خصوصی از منظر امام، رهبری، قانون اساسی و اسناد بالادستی در نظام ج.ا.ایران؛ مطابق جدول نمونه زیر، داده‌ها کدگذاری و با یک دسته‌بندی کلی، مقولات استخراج شد. در ادامه مطابق شکل ۱ مقوله‌ها استخراج شده در جدول ذیل به صورت مدل پارادایمی در شکل ۳ نمایش داده شدند.

جدول ۱. نمونه‌هایی از توزیع تبیین بخش خصوصی از منظر امام، رهبری، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام ج.ا.ایران (محقق)

منبع	داده	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	جنس مقوله
صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۰۵.	توزیع ثروت و درآمدها بر اساس عدالت اسلامی، وضع توده‌های مردم ما را بهبود خواهد بخشید.	توزیع ثروت و درآمدها بر اساس عدالت اسلامی	گسترش عدالت اجتماعی با مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی	گسترش مالکیت در عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی	پیامدی

منبع	داده	کد گذاری باز	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی	جنس مقوله
صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۲۶.	بازار ایران خوش‌نام است و همیشه پشتیبان کشور و ملت و اسلام بوده است و در هر مشکلی، بازار در حل آن مشکل‌ها دخالت داشته است و جزء ملت بوده است؛ و همان ملت است و همان مردم است که در بازارها مجتمع هستند و مشغول اقتصاد ملت هستند و مشغول کارهای صحیح هستند.	نقش مؤثر مردم و بازار در اقتصاد	واگذاری امور اقتصادی مردم	مردمی کردن اقتصاد	راهبرد
صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۵۸	استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی و بها دادن به مؤمنین انقلاب خصوصاً جبهه رفته‌ها و توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب‌شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه.	شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه	امکان بهره برداری آحاد جامعه از منابع و امکانات	جلوگیری از تمرکز ثروت در دست عده خاص	زمینه ای
صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۴۴	اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف که اگر به حق به آن عمل شود چرخ‌های اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد.	اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن	حمایت قانونی و قضایی از مالکیت و سرمایه مشروع	حمایت از مالکیت مشروع بخش خصوصی	علی
صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۱۶	چنانچه حالا بعد از جنگ است مردم باید در کارهای تجاری آزاد باشند لکن با نظارت دولت که یک وقت خدای‌نخواستہ دوباره از آن چیزهایی که از خارج می‌آوردند و آن چیزهای	مردم باید در کارهای تجاری آزاد باشند لکن با نظارت دولت	حاکمیت دولت در قالب برنامه ریزی، سیاست گذاری، هدایت و نظارت	کاهش تصدی دولت و حضور کارآمد در امور حاکمیتی	مداخله گر

منبع	داده	کد گذاری باز	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی	جنس مقوله
	فاسدی که می‌آوردند دوباره شروع نکنند. دولت اجازه بدهد مردم از خارج چیز بیاورند، تجارت کنند، لکن نظارت داشته باشد که فساد ایجاد نشود. این هم یک مطلبی است که مهم است و باید خیلی در آن دقت کرد.				
بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۰/۱/۱	مسأله‌ی افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کمک به بخش خصوصی که بتواند در زمینه‌ی مسائل اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کند، از جمله‌ی مسائل مهم و اساسی است.	افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی	واگذاری امور تصدی‌گری به بخش خصوصی	افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد ملی	پیامدی
بیانات در دیدار خانواده‌ی شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۸۶/۴/۷	برخورد با مفسد اقتصادی موجب امنیت اقتصادی است برای غیرمفسد.	برخورد با فساد موجب امنیت اقتصادی می‌گردد	تامین امنیت سرمایه گذاری	امنیت اقتصادی ضامن فعالیت بخش خصوصی	مداخله گر
در حرم رضوی ۱۳۸۶/۱/۱	میدان برای تحرک اقتصادی ملت ایران باز است. با سیاست‌های اصل ۴۴ که ابلاغ شد و دولت هم مجدانه دنبال این است که اینها را تحقق ببخشد و باید هم دنبال کند، میدان کار اقتصادی باز است؛ نه فقط برای افرادی که ثروتمندند، حتی برای آحاد مردم. سال ۸۶ و شاید تا یکی دو سال بعد رویکرد دولت و رویکرد فعالان کشور باید رویکرد اقتصادی باشد. ما می‌توانیم اقتصاد خودمان را شکوفا کنیم... از سیاست‌های اصل ۴۴ همه باید استفاده کنند.	میدان برای تحرک اقتصادی ملت ایران باز است میدان کار اقتصادی باز است؛ نه فقط برای افرادی که ثروتمندند، حتی برای آحاد مردم	امکان بهره برداری آحاد جامعه از منابع و امکانات	جلوگیری از تمرکز ثروت در دست عده خاص	زمینه ای

منبع	داده	کد گذاری باز	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی	جنس مقوله
۱۳۸۰/۲/۱۰ فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا	ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با فساد و سوءاستفاده‌کنندگان از ثروت‌های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که بعکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند.	مبارزه با فساد اقتصادی موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی	حمایت قانونی و قضایی از مالکیت و سرمایه مشروع	حمایت از مالکیت مشروع بخش خصوصی	علی
۱۳۸۰/۵/۱۱ بیانات در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری	یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور، وجود گلوگاه‌های فساد است که به شدت باید از آن ترسید و با آن مقابله و مبارزه کرد.	یکی از موانع پیشرفت اقتصادی کشور، وجود گلوگاه‌های فساد است	مبارزه با فساد بستر ساز رقابت سالم اقتصادی	مبارزه با فساد اقتصادی	راهبرد
۱۳۹۰/۵/۲۶ در دیدار فعالان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی	بخش‌های دولتی و خصوصی در مقطع حساس، اقدامی نمادین برای نشان دادن اهتمام نظام اسلامی به مسأله اقتصاد و تحرک و پیشرفت اقتصادی هستند.	نقش بخش خصوصی در پیشرفت اقتصادی کشور	حمایت از سرمایه‌گذار و کارآفرین موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور	مشارکت بخش خصوصی موجب توسعه اقتصادی کشور	پيامدی
سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ایران	افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی.	افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی	واگذاری امور تصدی‌گری به بخش خصوصی	افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد ملی	پيامدی
سیاست‌های کلی نظام در امور تشویق سرمایه‌گذاری	توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی بر ایفای فعالیت‌های گسترده و اداره بنگاه‌های اقتصادی بزرگ.	توانمندسازی بخش‌های خصوصی بر ایفای فعالیت‌های گسترده و اداره بنگاه‌های اقتصادی بزرگ	افزایش سرمایه‌های مشهود و نامشهود بخش خصوصی	توانمندسازی بخش‌های خصوصی	راهبرد

منبع	داده	کد گذاری باز	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی	جنس مقوله
اصل ۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.	اعمال حق مالکیت بر کسب و کار مشروع	حمایت قانونی و قضایی از مالکیت و سرمایه مشروع	حمایت از مالکیت مشروع بخش خصوصی	علی
سیاست های کلی برنامه ششم توسعه	حمایت قضائی مؤثر در تضمین حقوق مالکیت و استحکام قراردادها به منظور توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی و سرمایه گذاری خارجی.	حمایت قضائی مؤثر در تضمین حقوق مالکیت به منظور توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی	حمایت از انواع مالکیت بخش خصوصی	حمایت قضائی مؤثر از حقوق مالکیت بخش خصوصی	مداخله گر
سیاست های کلی برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ایران	توجه و عنایت جدی در مشارکت عامه مردم در سازندگی کشور و رعایت جهات زیر در امر واگذاری مؤسسات اقتصادی به مردم: ج موجب تهدید امنیت ملی و یا تزلزل حاکمیت ارزش های اسلامی و انقلابی نشود.	واگذاری مؤسسات اقتصادی به مردم: موجب تهدید امنیت ملی و یا تزلزل حاکمیت ارزش های اسلامی و انقلابی نگردد.	توجه به امنیت ملی و حفظ ارزش های نظام در واگذاری ها	واگذاری ها موجب تهدید امنیت و حاکمیت ارزش ها نگردد.	زمینه ای



شکل ۳. مدل پارادایمی راهبرد اقتصاد بخش خصوصی از منظر امام، رهبری و قانون اساسی (محقق)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

باتوجه به مقولات استخراج‌شده از مدل پارادایمی داده بنیاد مستند به بیانات امام، رهبری، رویکردهای قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، می‌توان چارچوبی مفهومی ذیل را برای بخش خصوصی در نظام جمهوری اسلامی بیان کرد:

"مشارکت بخش خصوصی موجب رشد و توسعه اقتصاد کشورشده و از ایجاد انحصار غیرضرور و تبدیل شدن دولت به کارفرمای بزرگ جلوگیری می‌کند. تقویت این بخش از اقتصاد منافاتی با اقتصاد عدالت‌محور نداشته، بنابراین، افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد ملی و گسترش مالکیت در عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی باید در دستور کار اجزای حاکمیت قرار گیرد.

بخش خصوصی در کشور دارای حقوقی اساسی است. ارائه شفاف اطلاعات به منظور تقویت ساختار رقابتی و دسترسی یکسان و عادلانه به اطلاعات و مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی از جمله حقوق این بخش از اقتصاد ملی است؛ همچنین امنیت اقتصادی تضمین‌کننده فعالیت بخش خصوصی بوده بنابراین حاکمیت باید با حمایت قضائی مؤثر، مالکیت مشروع بخش خصوصی و کلیه حقوق ناشی از آن را محترم شمارد.

توان و ظرفیت‌های بخش خصوصی باید در خدمت تولید ملی قرار گیرد. دراین راستا دولت با رویکرد مردمی‌کردن اقتصاد و با هدف کاهش تصدی همراه با حضور کارآمد در قلمرو امور حاکمیتی از طریق سیاست‌گذاری، تنظیم مقررات، هدایت و نظارت بر بخش خصوصی ضروری است تا وظایف دیگری را با همراهی سایر اجزای حاکمیت، انجام دهد. تصویب قوانین و تنظیم مقررات برای جلوگیری از ایجاد انحصار در بخش خصوصی، توانمندسازی بخش‌های خصوصی به‌عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی، فراهم آوردن زیرساخت‌های مورد نیاز فعالیت بخش خصوصی و بهبود فضای کسب‌وکار با تأکید بر ایجاد ثبات در محیط اقتصاد کلان، جلوگیری از اعمال نفوذ سرمایه‌داران در اداره امور کشور و مبارزه با فساد اقتصادی برای اطمینان بخشی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، از دیگر وظایف حاکمیتی می‌باشد.

یکی از موضوعاتی که در این بخش نیازمند تبیین است، ورود نهادهای عمومی غیردولتی در اقتصاد است. راه کار آن، بهره‌گیری از ظرفیت این نهادها برای طرح‌های ملی و فراملی است که بخش خصوصی امکان فعالیت در آن حوزه، ندارد.

واگذاری امور به مردم و بخش خصوصی دارای الزاماتی است. این واگذاری‌ها باید با هدف جلوگیری از زیان جامعه، تمرکز و تداول ثروت در دست عده خاص، انجام پذیرد. در واگذاری‌ها به بخش خصوصی، توجه به حفظ حاکمیت دولت، استقلال کشور و عدالت اجتماعی باید مدنظر مسئولین امر قرار گرفته و واگذاری‌ها منجر به خدشه دار شدن حاکمیت نظام، تضییع حق مردم، ایجاد انحصار، تهدید امنیت ملی، تزلزل حاکمیت ارزش‌های اسلامی و انقلابی نشده و زمینه نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی را فراهم نکند. همچنین واگذاری‌ها به بخش خصوصی مشمول امور محرمانه نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نمی‌شود.

در ادامه با بررسی «راهبردها و پیامدهای» الگوی پارادیمی ارائه شده، نتایج کاربردی و راهبردی ذیل استنتاج می‌شود:

در راهبردها، به مردمی کردن اقتصاد تأکید شده است در این راستا لازم است، مشارکت آحاد جامعه در اداره امور کشور افزایش یافته و با توانمندکردن بخش خصوصی، امور اقتصادی به مردم و بخش خصوصی واگذار شود؛ درحالی‌که تجربیات نشان می‌دهد حجم دولت به استناد افزایش بودجه جاری کشور بزرگ‌تر شده و برخی امور تصدی‌گرایانه با تغییر روش و نوع سهامداری، همچنان در اختیار دولت است؛ همچنین در راهبردها به مبارزه با فساد اقتصادی برای اطمینان بخشی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تأکید شده است.

در راهبردها، به توانمندسازی بخش خصوصی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی توجه شده است؛ بنابراین، لازم است در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در نظام ج.ا.ایران، حمایت از بخش خصوصی و تولید ثروت را به عنوان وسیله و ابزاری برای تحقق استقلال سیاسی و اقتصادی، رشد معنوی و کمالات انسانی و بسط عدالت، مدنظر قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی دستگاه‌ها در قبال

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در چهار محور توانمندسازی بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی و رفع موانع، توسعه و ارتقای توانمندی بخش خصوصی، محدود کردن امور تصدی‌گری‌های دولت در حوزه فعالیت‌های اقتصادی و ارتقای کارآمدی و ساماندهی فعالیت‌های اقتصادی دولت، تهیه و برای رعایت آن، به دستگاه‌ها ابلاغ شود.

همچنین جهت توانمندسازی بخش خصوصی، حمایت عملی از نهادهای پشتیبان بخش خصوصی، نظیر اتاق‌ها در دستور کار ارکان حاکمیت قرار داشته و اتاق‌ها نیز با برگزاری کلینیک‌ها و دوره‌های آموزشی در تراز بین‌المللی، نحوه اصلاح ساختار بنگاه، اعم از ساختار اداری، مالی، اقتصادی، منابع انسانی را به صاحبان کسب و کار آموزش داده تا ساختار موجود بخش خصوصی، توانمند و تقویت شود.

در پیامدها به افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد اشاره شده است و مشارکت بخش خصوصی را زمینه ساز رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌داند، بنابراین لازم است نقش دولت صرفاً به زمینه‌سازی برای اعمال مؤثر وظایف حاکمیتی (سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت) محدودگشته و اقداماتی نظیر نوسازی و تکمیل زیربناهای فیزیکی، آموزش و توسعه نیروی انسانی، بهداشت و درمان و تقویت و گسترش شبکه تأمین اجتماعی به عنوان وظیفه اصلی دولت، مدنظر قرار گرفته و سایر امور به بخش خصوصی واگذار شود.

در شرایط زمینه‌ای الگوی پارادایمی، نکات مختلفی در زمینه‌های واگذاری‌های امور و موسسات به بخش خصوصی ذکر شده است. برای رفع این نگرانی و توجه به نکات مطرح شده، پیشنهاد می‌شود، بخشنامه‌هایی به مضمولان و دست‌اندرکاران واگذاری مبنی بر ممنوع بودن خرید سهام دولتی مورد واگذاری، برای اطمینان از هرگونه عدم وجود رانت اطلاعاتی و وجود رقابت سالم در واگذاری‌ها و نظارت در این زمینه، ابلاغ گردد. همچنین برای نظارت بر نقل و انتقال دارایی‌های شرکت‌های واگذار شده و به رهن‌گذاری آنها، برای دریافت تسهیلات از سوی خریداران شرکت‌ها مادامی‌که اقساط آنها پرداخت نشده و تعهدات آنان کامل نشده است، مقرراتی تصویب و ابلاغ شود. لازم است محدودیت‌هایی برای خریداران سهام شرکت‌های واگذار شده که به تعهدات خود عمل نکرده‌اند و منع آنان از مبادرت به خرید سهام مورد واگذاری، در برخی معاملات و درعین حال اعلام به

مراجعی نظیر اداره ثبت شرکت‌ها، بانک مرکزی و نظام بانکی برای اقدامات مشابه در خصوص خریداران این شرکت‌ها، اعمال گردد.

در پیامدها به گسترش مالکیت در عموم مردم برای تأمین عدالت اشاره شده است. یکی از ابزارها در این زمینه اجرای کامل سیاست کلی اصل ۴۴ است.

به‌طورکلی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را با توجه به مفاد اصل ۴۳ و به‌منظور شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها، باید دنبال کرد. بنابراین در صورت استمرار حاکمیت قوانین و مقررات، ثبات تصمیم‌های اقتصادی، شفافیت در قیمت‌گذاری، اجاره و واگذاری مدیریت شرکت‌های انحصاری، عدم رقابت دولت با بخش خصوصی، جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، باور مسئولان به کارایی بخش خصوصی، تعدیل انتظارات بخش خصوصی برای کسب سود و حمایت از بخش خصوصی می‌تواند به افزایش اشتغال، سودآوری و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و بازار سرمایه در سازمان‌ها به موفقیت واگذاری بخش خصوصی منجر شود.

دامنه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بسیار وسیع است. قانون این سیاست‌ها نیز یک قانون مادر محسوب می‌شود که تأثیر وسیعی در تمام زوایای نظام اقتصادی کشور دارد؛ بنابراین، بسترسازی و پیشبرد سیاست‌ها و قانون مزبور متضمن اقدامات گسترده و عدیده‌ای است که حجم زیادی از عملیات و اقدامات جاری دستگاه‌های اجرایی کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

در پایان پیشنهاد می‌شود، شاخص‌های اجرایی نظارت بر دستیابی به اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در محورهای مدیریت بهینه امور حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در حوزه اقتصادی، توسعه و افزایش توانمندی بخش خصوصی، بسترسازی به‌منظور حضور کارآمد بخش غیردولتی در فعالیت‌ها و واگذاری بنگاه‌ها و فعالیت‌ها، تدوین و ابلاغ شود.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- آخوندی، عباس (۱۳۹۱)، **بخش خصوصی: تلاش برای ارائه یک تعریف**، تهران: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران.
- ادیب حاج‌باقری، محسن؛ پرویز، سرور و صلصالی، مهوش (۱۳۸۶)، **روش‌های تحقیق کیفی**، تهران: انتشارات بشری، چاپ اول.
- اشتراش، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، **اصول روش تحقیق کیفی**، ترجمه بیوک منصوری، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱)، **صحیفه نور**. دوره ۲۲ جلدی، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار امام خمینی (رحمت الله علیه)، چاپ سوم.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، آرشیو بیانات، **قابل دسترسی در: www.khamenei.ir**.
- جلالی اسفندآبادی، سیدعبدالمجید و صمیمی، سیدپیده (۱۳۹۳)، بررسی موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران (در راستای سیاست‌های کلی ابلاغی نظام، **فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان**، دوره دوم، شماره ۷، ص ۸۹-۱۰۹.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۴)، **استراتژی مبارزه با فساد، فصلنامه مدرس علوم انسانی**، دوره نهم، شماره ۲، ص ۱۰۱-۱۱۷.
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶)، **استراتژی پژوهش‌های کیفی**، تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد، **دو فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی** ۲، دوره یکم، شماره ۲، پاییز و زمستان، تهران: دانشگاه امام صادق، ص ۶۹-۹۷.
- رنانی، محسن (۱۳۷۶)، **بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران**، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- صدیقی، کورس؛ صدیقی، کاوس و صدیقی، شهریار (۱۳۹۴)، **حوزه‌های چالشی و الزامات توسعه بخش خصوصی در برنامه ششم توسعه (فضاسازی‌ها، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌ها)**، طرح مطالعاتی سیاست‌های توسعه بخش خصوصی در برنامه ششم اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تهران، گزارش نهایی، ویرایش دوم.
- قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۷.
- قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۶.

- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷.
- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴.
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲.
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹.
- قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.
- قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، ۱۳۹۰.
- نیلی، مسعود (۱۳۹۶)، *اقتصاد ایران چگونگی گذر از ابر چالش‌ها*، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، جلد اول و دوم، چاپ اول.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵)، *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، تهران: انتشارات سمت.

ب. منابع لاتین

- Creswell, J.W., (2005), *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (2nd edition)*. Boston: Pearson Publication.
- Crishna Morgado, N., et al., (2013), *Development Co-operation and private sector engagement for the environment – a scoping paper*, Paris: OECD Publishing.
- Di Bella, J., Grant, A., Kindornay, S. and Tissot, S., (2013), *Mapping private sector engagements in development cooperation*, The North-South Institute, Ottawa, www.nsi-ins.caa/publications/mapping-private-sector-engagements-in-development-cooperation.